

وصیت نامه امام «قدس سره»

و اسم مستأثر الهی

آیت الله محمدی گیلانی



- * از معلومات مستأثره خداوند تعالی علم به ساعت و قیامت کبری است.
- * ذکر برخی از آیات قرآنی در این رابطه.
- * حقیقت ساعت و قیامت کبری.
- * دلالت آیات کریمه بر وجود قیامت کبری النهایه در ممکن غیب الهی محفوظ است.
- * اشاره به انتهاء علل مادّیه و صوریه و غائیه و فاعلیه به فاعل واحد بسیط.
- * ارتفاع حجب و زوال تعینات با تجلی حق تعالی به وحدت قهاره.
- * نقل عبارتی از مصباح الهدایه امام قدس سره.
- * نتیجه آنکه ممکن نیست که در عین فناء، مفنی ادراک شود.

در مقاله پیشین گفتم: «راه حضور و اشراف بر اسماء مستأثره خداوند تعالی بر روی همه بسته است، حتی با سیر و سلوک روحانی که حدود و تعینات زائل و حجب مرتفع می گردد نیز ممکن نیست که حضور و اشراف بر آنها بهره سالک شود و در این باره از کتاب شریف مصباح الهدایه امام بیانی از بعضی از ایشان نقل کردم، و عنوان کردم که معلومات مستأثره خداوند تعالی در اسماء مستأثره حضرتش منحصر نیست و وعده دادم که به بعضی دیگر از علوم مختصه به خدای سبحان اشاره کنم.» اینک وقت وفای به وعده است و بحول الله تعالی و قوتی در این مقاله انجام می گیرد، از جمله آن علوم علم الساعة یعنی قیامت کبری است:

قیامت کبری

در قرآن کریم متکرراً آمده که علم الساعة مختص بخداوند تعالی است و برای غیر حضرتش مطمئن در این علم نیست و حتی به اشراف الممکنات خاتم النبیین صلی الله علیه وآله و علیهم خطاب می کند: «فیم انت من ذکرها الی رتک منهاها» (النازعات- آیات ۴۳-۴۴).

یعنی: تو کجا و حضور و اشراف بر اسماء مستأثره تجدید و تقدیر بیرون است» کجا؟! توضیح این تعبیر به ظاهر تند خواهد آمد و ناگزیر از ذکر آیاتی چند در این رابطه می باشیم:

۱- آیه ۱۸۷ از سوره اعراف: «سئلونک عن الساعة انما علمها عند ربی لا یجلیها لوقتها الا هو نقلت فی السموات والأرض لا تأتیکم الا بغتة یسئلونک کانتک حقن عنها فل انما علمها عند الله ولیکن اکثر الناس لا یعلمون».

- در باره ساعت «قیامت کبری» از تو می پرسند که چه وقت می رسد و استقرار می یابد، بگو: علم آن نزد پروردگار من است، فقط او است که چون وقتش آمد آشکارش می کند بر آسمانها و زمین گران و سنگین است، نمی آید بر شما مگر به ناگهانی، طوری از تو درباره ساعت و قیامت کبری می پرسند، انگار به آن عالمی، بگو: علم آن فقط نزد خداوند تعالی است ولی اکثر مردم نمی دانند.

۲- آیه ۴۷ از سوره فصلت: «الیه یرد علم الساعة و ما یخرج من لیمات من اکامها و ما یحمل من اتنی و لا ترفع الا بعلمه».

- مرجع علم ساعت «قیامت کبری» فقط خداوند تعالی است و هیچ

میهنای از غلاف خویش بیرون نمی آید و هیچ ماده ای آستن نمی شود و نمی زاید مگر آنکه مسبوک به علم او است.

۳. آیه ۳۴ از سوره لقمان: «ان الله عنده علم الساعة ویتزل العرش وبعلم ما فی الارحام».

نہا خداوند است که علم ساعت «قیامت کبری» نزد او است، و او باران را نازل می کند و او به آنچه در رحمها است علم دارد.

حقیقت ساعت و قیامت کبری

جمله: «لا یعلیها لوقها الا هو» دلالتی روشن دارد بر اینکه ساعت و قیامت کبری موجود است ولی در ممکن غیب عنداللهی محفوظ است، و فقط خداوند توانا است که در وقتش آنرا جلوه گر و آشکار می سازد، نظیر آیه کریمه: «ان الساعة آتیة لا ریب فیها» (الحج-آیه ۷) که صریح است در اینکه ساعت و قیامت کبری خواهد آمد و شکی در آن نیست، بدیهی است که عبارات «آتیة» و «تأتیکم» و «مرسیها» علاوه بر دلالت بر موجودیت ساعت و قیامت کبری دلالت دارند بر اینکه وجود آن در نظام فرایند موجودات، غایت و نهایت لایذمنه است که سراغ ذی الغایه می آید و لنگر می اندازد و ثبات و استقرار می یابد.

پس قیامت که غایت رجوع همه امور است، موجود است و خدایتعالی در علم غیب بدان مستأثر و متفرد است، و بهتر است که میرهن گفته آید:

باریتعالی که همه امور و موجودات را بمحض جود خویش آفریده است چنانکه خود مبدع و فاعل آنها است خود نیز نهایت و غایت آنها است، و در مدارک اصحاب برهان و شهود اهل عرفان ثابت گردیده که علل مادی و صورتی و غایتی و فاعلی تماماً بدون هیچ استثناء به علت فاعلی واحد بسط که در غایت وحدت و نهایت بساطت است، منتهی می شوند و مبدئی که دارای چنین وحدت و بساطت است جز حضرت واجب تعالی احدی نیست، پس آن ذات مقدسه منتهی علل غایتی و غایة الغایات و نهایت النهایات است و جملگی بسوی او رهسپارند و همگی طالب اویند: «الا الی الله نصر الامور» (سوره شوری-آیه ۵۳)

بلی از آن رو که اسماء الله تعالی وسائط در افاضه و ایجادند، لزوماً مرجع هر چیزی آن اسمی است که واسطه در ایجاد و تدبیرش می باشد ولی نهایتاً مرجع همه بسوی خدایتعالی است که اصل ایجاد و تدبیر است، و قیامت کبری یعنی: «رجوع کل شیء الی اصله» و حقیقت آن ارتفاع حجب و زوال همه تعینات خلقیه و فناء وجه عبودیت در وجه ربوبیت است که با ظهور و تجلی حق تعالی به وحدت حقیقیه انجام می پذیرد چنانکه تعین قطرات باران با رجوع و وصول بدریا زایل می شود و جملگی با زوال تعینات و حدود، فانی می گردند و به تعبیر امام بزرگوار قدس سره در مصباح الهدایه: «ان الصیامة الکبری للکوان الخارجیة بانظام نوره و هویتها تحت سطوع النور الزیوی و رجوع کل مظهر الی مظهره و فناءه فیه».

حاصل آنکه همانگونه که طلوع خورشید جود الهی از مشرق فیض، ممکنات را به خلعت وجود و هویت، متکرم می سازد بدانسان طلوع خورشید واحد قهار از مغرب فیض، مستلزم فناء هویات و ذویان تعینات ممکنات است: «کل من علیها فان و یسفی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» (سوره الرحمن-آیه ۲۷)، و باقی همان وجه الرب است که فیض مقدس الهی است، چنانکه با طلوع خورشید طبیعت و تابش حرارت آن بر برفهای مختلف الاشکال، همه آن شکلها با ذویان برف، زائل و فانی می شوند و آنچه باقی می ماند آب است که در اشکال مختلف و هندسه های متنوع برف جلوه گر بوده است و چه خوش گفته این عارف پاکیزه که رحمت بر آن تربت پاک باد:

وما الخلق فی النشال الا کلعه
وما الثلج فی تحفیفنا غیر مانه
وانت بها السماء الندی هونابع
وفیران فی حکم دعتنا الشرائع
ولکن یندوب الثلج یرفع حکمه
و یوضع حکم السماء و الامروافع
تجمعت الاضداد فی واحد البها
و لیه ثلاثت وهو عنهن ساطع

نتیجه بیان گذشته این میشود که ساعت یعنی قیامت، بوجود غیبی هم اکنون موجود است و خواهد آمد «آتیة لا ریب فیها» و تجلی و ظهور آن، ملزوم به فناء همه حدود و تعینات اشیاء است، پس چگونه ممکن است چیزی در عین فناء و زوال هویتش، مفنی خویش را حضور آورید؟! در یافتن دریا بنده می خواهد در صورتیکه با ظهور ساعت، همه هویتها ذوب می گردند و تعینات بالکل زائل می شوند و در این صورت، فرض علم حضوری بوجود ساعت جز افتراض خلف نیست! «لن الملک الیوم لله الواحد القهار» (سوره انفار-آیه ۱۶).

یعنی: با تجلی وحدت قهار «ونه وحدت عددی» که ثانی برای آن مشتمع القهرن است، مالک هویتی باقی نمی ماند، تا شهود و حضور جهت او قابل افتراض باشد و گرفتاران در زندان محدودیت و تقدیر کجا و علم و شهود به معنی بیرون از تحدید و اندازه عدا الله تعالی کجا؟ «بسنونک عن الساعة ایان مرسیها فیم انت من ذکرها الی ربک منهاها».

بلی، علم محسوس در زندان حدود و اقدار و ازمنه و امکان به ساعت و قیامت نظیر علم کور مادرزاد است به رنگها و شکلها، و همانطور که مدرکات بصر نسبت به قوه شامه غیب است، و بدیهات عقلیه بر حواس، غیب است، همچنان امر ساعت و قیامت بر عقول بشری غیب است، و ممکن نیست احدی به آن احاطه یابد مادامی که در سجن تقدیر و تحدید است.

پرش متکرران ساعت به تعبیر «ایان مرسیها» همانند پرسش کور مادرزاد است در وقتی که شما مُبصر مثلاً شکل و رنگ قله دعاوند را برای او توصیف نمودید پرسش کند: چگونه چشیده یا بوینده یا شنیده می شود؟ علی ای حال بیان گذشته در عین دلالت بر اینکه ظهور ساعت و قیامت

از یک سو توجه به ماهیت جنایتکار این رژیم که به قول امام فقیهان:

«... فرقی بین محترفا خان و صدام آمریکائی و سران حکومت مرجع عربستان در اسلام زدایی و مخالفان با قرآن نیست و همه نوکر امریکا هستند و تصور حراب کردن مسجد و محراب و مسئول خاموش نمودن شعله فریاد حق حق طلبانه ملتها... (۱)»
 تکبید داران کنونی کعبه لیاقت میزبانی سربازان سیه‌انان خدا را ندارند و جز نایب منافع امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان بر نمی آید... (۲) حکومت آل سعود (لعنة الله عليهم) این

وهابی‌های پست بی خبر از خدا بسان خجرتند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته اند... (۳) این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه پرید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند...»

(هفتم ذی الحجه ۱۴۰۷)
 این رژیم طبق دستور العمل سازمان کنفرانس با اصطلاح اسلامی پس از کشتار فجیع و بی رحمانه حجاج در راه پیمائی اعلان برائت از مشرکین در ذی الحجه ۱۴۰۷ تصور می نمود که موفق به حذف حج ابراهیمی محمّدی صلی الله علیه وآله و سلم گردیده است، لکن ادامه حرکت‌های روح الهی مسلمانان جهان در مراسم سیاسی عبادی حج تداوم

خط امام را در حج تضمین نموده است و رژیم آل سعود (لعنة الله عليهم) برای مقابله با آن چاره‌ای جز سرکوب روز افزون این حرکتها ندارد.

ما از مسئولان سیاست خارجی کشورمان مصرانه می خواهیم همگام با محکوم نمودن این جنایت بهر نحو ممکن دیگر نیز به مقابله جدی با رژیم سفاک آل سعود (لعنة الله عليهم) قیام نمایند و یقین داشته باشند که این رژیم و سردمداران آن بر اساس تفسیری که امام خمینی (سلام الله علیه) از قرآن کریم درباره آنان داشته اند مصداق بارز قوم ظالمین هستند که خداوند هرگز هدایتشان نخواهد کرد.

«وسيعلم الذين ظلموا اني مغلوب بقلبون»

جله از وصیت نامه امام قدس سره و اسم مستأثر الهی

ملازم با فناء اشیاء است، لازم دیگری را سایه وار بدنبال می کشیده و آن این بوده که به نص قرآن کریم ساعت و قیامت بوجود غیبی هم اکنون در ممکن غیب، موجود است و بنابراین، آنهایی که با سفر و سلوک روحانی از بیس حدود و اقدار خلاصی یافتند و به اسماء الهی که «غیب السموات والارض» (سوره بقره، آیه ۳۰-۳۳) است متعلم شدند، قیامت کبری برایشان معجزاً تحقق یافته است و برای غیر این طایفه مؤجلاً تحقق می یابد و مبتلا به فزع و صعق می شوند.
 و اما طایفه مشارالیهها از فزع و صعقه در امانند بلکه از احضار پای محاسبه نیز مستثنی هستند که در این آیات آمده: «يوم يفتح في الصور فزع من

في السموات ومن في الارض الا من شاء الله» (سوره نمل- آیه ۸۷).

و «ولفتح في الصور فصعق من في السموات ومن في الارض الا من شاء الله» (سوره زمره آیه ۶۸).
 و «فانهم لمحضرون الا عباد الله المخلصين» (سوره الصافات- آیه ۱۲۸).
 و روایات کثیره‌ای از فریقین درباره قیامت معجزاً برای اولیاء الله بسیار است و از لطیف‌ترین آنها روایتی است که بطرق متعدّد از فریقین، از رسول الله صلی الله علیه وآله روایت گردیده که فرمودند: «انا والساعة كهاتين» اشاره به انگشترهای ابهام دستهای مبارکشان کردند که به تفسیر آن می پردازیم ان شاء الله.

«ادامه دارد»

جله از خطر مطبوعات مبتدل و انحرافی

چه خواهد بود؟! علی علیه السلام درباره فتنه می فرماید:

«تبدوا في مدارج حقه وتزولن الي فطاعة جله».

(نهج البلاغه خطبه ۱۵۱)
 نازل در مراحل پنهان بی سروصدا می آید و بالاخره سر از رسوائی آشکارا بدر می کند...
 به امید آنکه گوش شنوائی باشد و به این هشدارها توجه شود...

و امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) در یکی از آخرین پیامهای قبل از ارتحال جوانگدازشان اینگونه این خطر را ترمیم کرده و هشدار می دهند:

«مسئولین باید در دفاع از اسلام محکم تراز همیشه با تمام توان در مقابل تجاوز نظامی، سیاسی و فرهنگی جهان خواران بایستند چرا که امروز دنیای

استکبار خصوصاً غرب خطر رشد اسلام ناب محمّدی (صلی الله علیه وآله) علیه منافع نامشروع خود را درک کرده است... آنان در این ده سال انقلاب اسلامی ایران ضربات سختی از اسلام خورده اند و تصمیم گرفته اند که به هر وسیله ممکن آنرا در ایران که مرکز اسلام ناب محمّدی (صلی الله علیه وآله) است نابود کنند اگر نتوانند با نیروی نظامی، اگر نهند با نشر فرهنگ مبتدل خود وی گانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچکدام از اینها نشد ابدی خود فروخته خود از منافقین و لیبرالها و بی دینها را... در منازل و مراکز ادارات نفوذ می دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند...»

(پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی ۶۸/۱/۲)
 انتظار ما این است که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی که خود از اهل علم و فضیلت و از شاگردان و پیروان امام و از مبارزین و زجر کشیدگان انقلاب هستند و اقدامات مثبت و

ارزنده‌ای را برای نظام و انقلاب انجام داده اند، بزرگ اقدام قاطع و انقلابی اجازه قانونی نویسندگان، ناشران و انتشاراتی که به اشاعه فرهنگ مبتدل غرب و ترویج فحشاء و منکرات در قالب کتاب و ماهنامه و هفته نامه و... مبادرت می ورزند را از آنان سلب نموده و آنان را به امت حزب الله معرفی نمایند. و درباره برخی عناصر ناظر و مطبوعات نیز دستور بررسی و تحقیق صادر کنند زیرا ما اطمینان داریم که یک عنصر مسلمان و یا حتی بی دین ولی معتقد به یک نظام سیاسی، نمی تواند منشأ صدور مجوز رسمی برای چنین کُتب و نشریات ضالّه، بنیان کن و منحرفی باشد. این مسئله نمی تواند تصادفی باشد که هم زمان با اجرای طرح مبارزه با اشاعه منکرات و بدحجابی، کتب و نشریاتی منحرف و منکراتی مجوز انتشار دریافت می دارند.